

تغییرات ساختار خانواده از منظر آمارهای ثبتی (مورد مطالعه: خراسان بزرگ)

محبوبه جعفری بائی^۱
علی رحمانی فیروزجاه^۲
یعقوب فروتن^۳
منوچهر پهلوان^۴

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

شماره صفحه: ۴۶-۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۰

چکیده

به دلیل اهمیت تحولات جمعیتی ایران در چهار دهه اخیر، موضوع محوری این مقاله مسأله‌شناسی تغییر ساختار خانواده با استفاده از بررسی آمار وقایع حیاتی ولادت، ازدواج و طلاق موجود در آرشیو سازمان ثبت احوال کشور است. در تحلیل تغییرات ایجادشده در ساختار خانواده، از تئوری‌های گذار جمعیتی، انتخاب عقلانی و جهانی‌شدن، بهره گرفته شده است. با روش اسنادی و تحلیل ثانویه، به بررسی آمارهای ولادت، ازدواج، طلاق، میانگین سن مادران، تغییر گروه‌های سنی مادران، مقایسه ازدواج زنان و باروری براساس گروه سنی، تغییرات نسبت ۱۰۰ ازدواج به طلاق، پرداخته شده است. نتیجه مطالعات نشان داد آمارهای وقایع حیاتی از سال ۱۳۵۵-۱۳۹۵ در استان‌های خراسان بزرگ، علاوه بر تأثیر سیاست‌های اجرائی‌شده، گویای تغییر در نگرش و عملکرد خانواده و در نتیجه، کاهش فرزندآوری، کاهش تمایل به تشکیل خانواده و ازدواج و رشد قابل تأمل طلاق است. میانگین سن مادران در هر سه استان افزایش یافته است. بیشترین ولادت در استان‌های مذکور به مادران ۲۹-۲۵ سال و کمترین فرزندآوری به مادران بالای ۴۹ سال

mahbobejafari95@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

arf1348@gmail.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، نویسنده مسئول

y.foroutan@umz.ac.ir

۳. دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

mpahlavan1967@gmail.com

۴. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

اختصاص دارد. نتیجه مقایسه ولادت‌های سال ۱۳۹۷ با ۱۳۸۹ براساس گروه سنی مادران، نشان داد که رتبه اول فرزندآوری از مادران ۲۰-۲۴ سال به ۲۹-۲۵ سال و رتبه دوم ولادت از مادران ۲۹-۲۵ سال به ۳۰-۳۴ سال تغییر یافته است که این امر نشان از بالارفتن سن فرزندآوری مادران در استان‌های مذکور دارد. زنان کمتر از ۱۵-۲۴ سال ساکن روستا، بیشتر از زنان شهری در بازه سنی مشابه اقدام به فرزندآوری می‌کنند. بر مبنای تئوری گذار دوم جمعیتی، هرچه توسعه یافتگی در جامعه‌ای بالاتر می‌رود، میزان باروری و ازدواج در آن کاهش و طلاق رشد می‌یابد. از طرفی تشدید روابط اجتماعی بدون مرز در قالب شبکه‌های گسترده ارتباطی و ارزیابی عقلانی والدین از منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتن فرزند، موجب تغییر نگرش و ارزش‌ها در خانواده شده و زمینه تغییر ساختار خانواده را در استان‌های مذکور فراهم نموده است.

واژه‌های کلیدی: ساختار خانواده، ولادت، ازدواج، طلاق، گروه سنی مادران، گذار جمعیتی.

مقدمه

خانواده بدون شک اصلی‌ترین نهاد در جامعه به‌شمار می‌آید که چه در گذشته و چه در جامعه امروز، دارای کارکردهای مهمی است، لذا انعکاس تغییر در خانواده، آنقدر مهم است که می‌تواند به کل جامعه تعمیم یابد. اولین هسته زندگی بشر از خانواده آغاز می‌شود. تغییرات زیادی در شکل خانواده رخ داده است که رسیدن به یک تعریف واحد به نظر بی‌نتیجه می‌رسد. گیلز معتقد است خانواده زیربنای اولیه جامعه‌شناسی است (Gillies, 2003: 23)، براساس این نظر می‌توان انعکاس تغییر در ساختار خانواده را به کل جامعه تعمیم داد. رابطه‌ای دوطرفه بین تحولات خانواده و جامعه وجود دارد، به طوری که تغییرات ارزشی در خانواده بر جامعه تأثیر می‌گذارد و تحولات جامعه نیز در مناسبات خانوادگی مؤثر خواهد بود. آنتونی گیدنز^۱ معتقد است: در میان تغییراتی که این روزها در جریان است اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. ورود به جامعه اطلاعاتی، همچون مرحله گذر از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی، تمامی جنبه‌های حیات

بشری را تحت تاثیر قرار داده است. عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با انبوهی از فرصت‌ها و چالش‌های اساسی مواجه ساخته است و از این روست که مفهوم جامعه اطلاعاتی، امروزه به سرچشمه‌ای از بحث‌ها و گفتمان‌های فراوان تبدیل شده است (اسعدی، ۱۳۸۷: ۶۰). تحولات خانواده امروز، بحثی جهانی است که در همه جوامع اتفاق افتاده است؛ ولی بستر تغییرات از کشوری به کشور دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است. امروزه شاهد رخدادهایی، مانند افزایش میانگین سن ازدواج، افزایش زنان سرپرست خانوار، افزایش سن باروری، کاهش فرزندآوری، افزایش تک‌والدی، خشونت خانوادگی، تغییر سبک زندگی، کاهش طول زندگی مشترک و افزایش طلاق در خانواده هستیم که این امر نشان از تحولات و تغییرات در الگوهای زندگی خانواده ایرانی است. البته این تغییرات، پس از جذب و درونی شدن، خود به‌عنوان عامل درونی در تعامل همسو و ناهمسو با نیروهای همچنان فعال و شاید بسیار فعال جهانی شدن، تغییرات جدیدی را ایجاد می‌کند. پیداست که تاریخ معاصر ایران روایتگر تقلای یک جامعه ریشه دار محلی از یک سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مدرن شدن (تغییر) بوده است (سرای، ۱۳۸۵: ۴۱). یکی از روندهای بلندمدت جمعیتی، بُعد خانوار است که می‌تواند نمونه‌ای گویا از تغییر ساختار خانواده باشد. خانوار به‌صورت گروهی از افراد که در اقامتگاه مشترکی ساکن هستند و هزینه‌ها، خوراک و دیگر ملزومات زندگی را با هم سهیم می‌شوند، تعریف می‌شود. خانوارها، هسته مرکزی فرآیندهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی هستند و بسیاری از تصمیمات مربوط به فرزندآوری، و سایر موارد در آن رخ می‌دهد. طبق سرشماری سال ۱۳۶۵ بُعد خانوار در ایران برابر ۵/۱ بود که در سرشماری ۲۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۸۵ به ۴ کاهش یافته است، در آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۵ بُعد خانوار در ایران به ۳/۳ رسیده است. کوچک شدن بُعد خانوار در ایران، به تصمیماتی برمی‌گردد که افراد در خصوص ازدواج، فرزندآوری و طلاق می‌گیرند. در سال ۱۳۶۵ نرخ ولادت در کشور برابر ۴۵/۶ در ۱۰۰۰ بوده که این شاخص در سال ۱۳۸۵ به ۱۷/۸ واقعه ولادت، کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ نرخ ولادت در کشور به ۱۹/۱ واقعه رسیده است. در استان خراسان بزرگ در سال ۱۳۶۵ نرخ ولادت برابر ۴۶/۵ واقعه در ۱۰۰۰ بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۲۰/۱ واقعه کاهش یافته است. بررسی آمارها نشان می‌دهد که جامعه ایرانی، به‌طور جدی کاهش فرزندآوری، ازدواج و رشد طلاق را در همه استان‌ها تجربه کرده است.

امروزه طرز تلقی و تمایل خانواده‌های ایرانی نسبت به شکل‌گیری خانواده، فرزندآوری و تداوم ازدواج تغییر یافته‌است. بررسی روندهای ملی و استانی شاخص‌های ولادت، ازدواج و طلاق نشان می‌دهد که الگوی جغرافیایی خاصی بر ساختار خانواده در ایران حاکم است؛ به طوری که استان‌های نوار مرزی کشور، باروری بالاتری در مقایسه با استان‌های واقع در بخش مرکزی کشور، بویژه استان‌های نزدیک به پایتخت دارند. استان‌های خراسان بزرگ جزو استان‌های مهمی هستند که به لحاظ جغرافیای جمعیتی، تأثیر قاطعی بر رشد و ساختار جمعیت کشور دارد. افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش ازدواج، افزایش میانگین سن مادران، کاهش تمایل به فرزندآوری و رشد طلاق، به خاطر تأثیر قاطع بر ساختار جمعیت، در فهرست مسایل اجتماعی کشور جای گرفتند (شوازی، ۱۳۸۴: ۲۵). اگرچه براساس نظریه برخی از دانشمندان، سرعت گذار باروری در ایران و استان‌هایی مانند خراسان بزرگ را متأثر از برنامه تنظیم خانواده می‌دانند، بر نقش تغییرات اجتماعی و اندیشه‌ای در تغییرات ساختار خانواده تأکید ویژه‌ای دارند. شناخت تحولات در حوزه خانواده، قطعاً در فهم تحولات اجتماعی کمک‌کننده خواهد بود؛ همان‌طور که برناردز^۱ (۱۳۹۰: ۵۵) "مطالعه خانواده را مطالعه خود جامعه می‌داند". این مقاله در پی آن است که با رصد تغییرات حاصل‌شده در مباحث ولادت، ازدواج و طلاق در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی به این سؤال مهم پاسخ گوید که با توجه به بازه زمانی انتخاب‌شده (۱۳۵۵-۱۳۹۵)، آیا وضعیت آمارهای ثبتي (ولادت، ازدواج و طلاق) در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تغییر محسوسی داشته‌است که بتوان از این تغییر، به تغییر نگرش و تصمیم مردم در موضوع ساختار خانواده رسید؟

جدول (۱) پیشینه پژوهش

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
فروتن ۱۳۸۶	رویکرد اجتماعی و جمعیت‌شناختی به مسائل خانواده معاصر با تأکید بر سقط جنین در ایران	داخلی	نتایج پژوهش نشان داد نزدیک به دو پنجم افراد بررسی شده به سقط جنین نگرش مثبت دارند؛ در عین حال، این الگوی کلی تحت تأثیر سه دسته متغیر تعیین‌کننده، شامل متغیرها و تعیین‌کننده‌های جمعیت‌شناختی پایه، مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، محل سکونت، بُعد ایدئال، خانواده و سطح تحصیلات متغیرهای مرتبط با مؤلفه‌های مذهبی، دینداری و متغیرهای مرتبط با نگرش‌های جنسیتی است.
ملکی، و دیگران ۱۳۹۴	بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده‌های ایرانی از سال ۱۳۳۵-۱۳۹۳	داخلی	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده به‌منظور فردی شدن هر چه بیشتر عرصه خانواده، روند مشخصی دارد. این تغییرات در تمامی ۳۱ استان کشور مشاهده شده؛ اما شدت و اندازه تغییرات در استان‌ها بیش از آنکه به تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی مربوط شود، تابع توسعه اجتماعی و اقتصادی است.
احمدی، قاسمی، کاظمی‌پور ۱۳۹۱	تبیین مسأله نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناختی خانواده	داخلی	ساختار خانواده در کشورها بر اساس مراحل گذار جمعیتی متفاوت است.
سرایبی ۱۳۸۵	هدف بررسی تغییرات خانواده در بستر گذار جمعیتی	داخلی	به تغییر برخی از عناصر خانواده، مانند اشکال و ساختار خانواده، ازدواج و طلاق و رفتار فرزندآوری اشاره می‌کند و جهانی شدن را عامل این دگرگونی می‌داند.
ادهیکاری (Adhikari, 2010)	بررسی خانواده در نپال	خارجی	یافته‌های ادهیکاری از تحقیقات نپال نشان می‌دهد، نرخ زاد و ولد کلی تقریباً ۲۵٪ کاهش یافته است؛ یعنی از ۴/۱ تولد به ازای هر زن در سال ۲۰۰۱ به ۳/۱ تولد به ازای هر زن در سال ۲۰۰۶، بین دو بررسی کاهش یافته است. تحصیلات زنان، نیروی کار زنان، سکونت شهری، ثروت خانوادگی، هنجارهای فرهنگی و سطوح کلی از توسعه اجتماعی بر سطح زاد و ولد تأثیر گذاشته است.
سابتکا و دیگران (Sobtkka, 2010)	دلایل اقتصادی و رفتار باروری در آمریکا	خارجی	نتایج پژوهش در آمریکا نشان داد، افرادی که بیکاری، کاهش دستمزد و بی‌ثباتی شغلی دارند، باروری کمتری نیز دارند؛ همچنین در طول رکود اقتصادی، روند باروری نیز کاهش پیدا می‌کند و این رابطه منفی بین رکود اقتصادی و باروری و نیز حتی ازدواج در مطالعات قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مطرح شده است؛ اما یک نوع عامل کمک‌کننده واسط در ناامنی اقتصادی، سرمایه اجتماعی است.
اسکیربک (Skirbekk, 2008)	ارتباط باروری با وضعیت اجتماعی	خارجی	نتایج تحقیقات اسکیربک در قرن بیستم در کشور ایتالیا گویای رابطه معکوس میان فرزندآوری و طبقه شغلی و اجتماعی بالاست.

عباسی شواری و مک دونالد Abbasi-Shavazi, & Mcdonald, (2007)	بررسی پویایی و تغییرات خانواده ایرانی در قرن ۲۰، بویژه بعد از انقلاب اسلامی	خارجی	این مطالعه گویای آمیزه پیچیده‌ای از تغییر و تداوم در درون نهاد خانواده است. بر اساس این مطالعه، نیروهای ساختی و ایده‌ای، هر دو با هم بر تغییرات خانواده تأثیر زیادی داشته‌است و در کنار آن نیروهای سیاسی نیز در تقویت یا تحدید تغییرات یا تحدید تغییرات خانواده نقش اساسی ایفا کرده‌اند.
تورن (Toren, 2003)	گذار خانواده از شکل سنتی به شکل مدرن	خارجی	دو نوع نیروی متضاد در رابطه با خانواده عمل می‌کنند؛ عواملی چون مذهب، خانواده‌گرایی و موقعیت سیاسی که مانع تغییر می‌شوند و در مقابل آن، عواملی چون تأثیرات فرهنگ جهانی محرک تغییر هستند؛ در نتیجه چهره این تغییرات را می‌توان در پدیده‌های ازدواج، طلاق، باروری و صورت‌بندی‌های جدید خانواده مشاهده کرد.
هیرشمن و مین (Hirshman & Minh, 2002)	تأثیرات نوسازی بر ساختار خانواده پدر مکانی در کشور ویتنام	خارجی	به رغم وجود فرایند نوسازی و شیوع مشاغل غیر کشاورزی و بالارفتن سن ازدواج، الگوی خانواده تغییر محسوسی نکرده‌است؛ یعنی سکونت بین نسلی برای جوامع مدرنیزه‌شده هنوز کارکرد خود را حفظ کرده‌است.

در جدول ۱ مرور پژوهش‌های پیشین نشان از یک دغدغه مشترک در خصوص اهمیت تغییر ساختار جمعیتی خانواده‌هاست. بیشتر پژوهش‌ها با نگاه کلی به کاهش فرزندآوری، به انگیزه‌های کاهش باروری و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. برخی از آن‌ها به بحث کاهش ازدواج و طلاق نیز وارد شده‌اند؛ اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌است و آن را از تحقیقات دیگر متمایز می‌سازد، بررسی روند آمارهای ثبتي در یک بازه زمانی مشخص است؛ با این هدف که ضمن بررسی تغییرات آمارها، سرعت کاهش و یا افزایش وقایع حیاتی هم مورد تعمق قرار می‌گیرد؛ زیرا سرعت تغییر و تأثیرپذیری افراد جامعه از همه عواملی که باعث تغییر نگرش مردم در زمینه باروری، ازدواج و طلاق و ابعاد گوناگونی چون بالارفتن میانگین سن ازدواج، طلاق و رشد میانگین سن مادران ایجاد شد، از دیدگاه جامعه‌شناختی قابل تأمل است. بررسی دقیق جزئیات روندها، حتی در زمینه آمارهای ثبتي می‌تواند در ارائه راهکار برای برون‌رفت از این آسیب جمعیتی نیز تأثیرگذار باشد. در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از تغییرات ایجادشده در آمارهای ثبتي، تغییر ساختار خانواده در استان‌های خراسان بزرگ به چالش گرفته شود و تغییر ساختار خانواده نتیجه‌ای است که با بررسی تغییرات ایجادشده در آمارهای ثبتي، می‌توان به تغییر نگرش مردم در خصوص خانواده گرفت.

مبانی نظری

در این مقاله تغییر ساختار خانواده در سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی براساس سه دیدگاه نظری مورد تحلیل قرار گرفت که در پی به آن‌ها پرداخته خواهد شد:

الف) دیدگاه کلاسیک جمعیت‌شناختی ب) دیدگاه انتخاب عقلانی ج) دیدگاه جهانی شدن.

الف. دیدگاه کلاسیک جمعیت‌شناختی

با بررسی تحولات جامعه، همیشه رابطه‌ای میان تحولات جمعیتی و تغییرات ساختار جامعه وجود داشته‌است؛ گویی انعکاس تحولات ذهن جامعه (نگرش مردم)، در عین جامعه (ساختار جمعیتی) خود را به‌نمایش می‌گذارد. تغییرات ایجادشده در گذار جمعیتی اول، زمینه لازم را جهت ظهور گذار جمعیتی دوم فراهم کرد. کاهش مرگ‌ومیر در گذار جمعیتی اول باعث تجدید نظر در هنجارها شد؛ به‌طوری‌که شرایط لازم برای استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری و... فراهم شد که به‌دنبال آن تغییرات جمعیت‌شناختی در خانواده اتفاق افتاد. موضوع محوری در گذار جمعیتی اول، بر مبنای تغییر در باروری و مرگ‌ومیر استوار بود؛ اما نظریه گذار جمعیتی دوم، اساساً معطوف به صنعت و ویژگی‌های خانواده نوین در دهه‌های اخیر است و به همین سبب "گذار خانواده" نیز تلقی شده‌است. مطابق این نظریه، خانواده و پیوندهای زناشویی در دوره معاصر، بویژه در جوامع صنعتی دستخوش تحولات بنیادین شده‌است. این تغییرات شامل کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش زندگی‌های بدون ازدواج، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، کاهش ولادت، افزایش مولید خارج از ازدواج و افزایش طلاق است. ون دی کا^۱ نیز گذار دوم جمعیتی را ناظر بر تحولات بنیادین خانواده می‌داند که بیش از هر چیز؛ ریشه در فردگرایی دارد. درحالی‌که در گذشته دگرخواهی نقش اصلی را در زندگی خانوادگی ایفا می‌کرد (فروتن، ۱۳۹۲: ۱۲۶). در جدول ۲، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی مرتبط با گذار اول و دوم در اروپای غربی آمده‌است که لستاق و نیلز^۲ تفاوت‌های دو گذار جمعیتی را در زمینه‌های ازدواج، باروری و زمینه‌های اجتماعی با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

1. Van de kaaa

2. Lesthaeghe & Neels

جدول ۲) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی مرتبط با گذار اول و دوم در اروپای غربی

عنوان	گذار جمعیتی اول	گذار جمعیتی دوم
ازدواج	افزایش نسبت ازدواج‌کرده‌ها	کاهش نسبت ازدواج‌کرده‌ها
	کاهش سن ازدواج	افزایش سن اولین ازدواج
	کاهش طلاق و افزایش ازدواج مجدد	افزایش طلاق (طلاق اوایل ازدواج) و کاهش ازدواج مجدد
باروری	کاهش باروری زناشویی از طریق کاهش در سنین بالاتر	کاهش بیشتر باروری از طریق تأخیر در ازدواج
	پایین‌بودن سن فرزندآوری	افزایش سن فرزندآوری
	کاهش باروری نامشروع	افزایش باروری خارج از ازدواج
	کاهش بی‌فرزندگی در بین زوجین	افزایش بی‌فرزندگی در بین زوجین
زمینه‌های اجتماعی	اشتغال با هدف نیازهای اساسی مادی؛ درآمد خانه‌داری، سلامت، تحصیل، امنیت اجتماعی، ارزش همبستگی اولیه	افزایش نیازهای سطح بالاتر: استقلال فردی، خودشکوفایی، دموکراسی اجتماع محلی
	افزایش عضویت سیاسی، مدنی و شبکه‌های اجتماع محور، تقویت همبستگی اجتماعی	دوری از شبکه‌های اجتماعی و مدنی محور، تغییر سرمایه اجتماعی و تضعیف انسجام اجتماعی
	نظارت هنجاری شدید به‌وسیله دولت، تکثر اجتماعی و سیاسی	کم‌رنگ‌شدن دولت، سرپیچی از قدرت و اقتدار، عدم تکثرگرایی سیاسی
	تفکیک نقش‌های جنسیتی، سیاست‌های مبتنی بر خانواده	افزایش همانندی در نقش‌های جنسیتی، استقلال اقتصادی زنان
	تغییرات منظم دوره زندگی، ازدواج محتاطانه و الگوی واحد در خانواده	انعطاف در سازمان‌دهی چرخه زندگی، شیوه‌های زندگی چندگانه، آینده باز

منبع: (Lesthaeghe & Neels, 2002: 331)

در جدول ۲، نشانه‌هایی که از گذار جمعیتی دوم بدان اشاره شده‌است، با نتایج بررسی آمارهای ثبتی همخوانی دارد و می‌توان گفت کشور ما مرحله دوم گذار جمعیتی را سپری می‌کند.

ب. دیدگاه انتخاب عقلانی

در نظریه انتخاب عقلانی، کرایب^۱ (۱۳۷۸: ۹۷) معتقد است «مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی را به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌کند». اولین بار نظریه انتخاب عقلانی توسط جیمز کلمن^۲ تشریح شد. نظریه انتخاب عقلانی به مطالعه سیستم‌ها، نهادهای مؤثر در تصمیم‌گیری و انتخاب‌های جمعی که بر روی یک گروه از مردم اثر می‌گذارد، می‌پردازد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۹۵). تئوری انتخاب عقلانی، معتقد است که کنش عقلانی، ویژگی بارز جامعه انسانی است که عقلانیت در همه ابعاد زندگی، می‌تواند خود را نشان دهد. از جمله تأثیرات آن می‌تواند در فرزندآوری باشد. کلمن (۱۳۷۷: ۳۲) معتقد است «کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد». این مفهوم ابتدا در اقتصاد مطرح شد که سود و بهره‌مندی را از زمینه اقتصادی به زمینه‌های دیگر نیز تعمیم داده‌است. زولنای (Zsolani, 1998: 618) معتقد است دو روایت از نظریه انتخاب عقلانی وجود دارد؛ عقلانیت به معنای سازگاری درونی هنجارها و عقلانیت به‌عنوان به‌حداکثر رساندن نفع فردی. در این خصوص وبر^۳ (۱۳۶۸: ۷۱) نیز یادآور می‌شود که رفتار اجتماعی ممکن است به‌طور عقلانی طبقه‌بندی و به سمت یک هدف جهت‌گیری شود. این طبقه‌بندی مبتنی است بر اینکه اشیای وضعیت بیرونی یا سایر افراد، به نحو معینی رفتار خواهند کرد و از چنین انتظاراتی، به‌مثابه شرایط یا وسایل تحقق موفقیت‌آمیز هدف‌هایی که به طرز عقلانی توسط خود فرد انتخاب شده‌اند، استفاده می‌شود. هاروی لیبنشتاین^۴ در چارچوب تئوری اقتصادی، استدلال می‌کند که منفعت و هزینه فرزندان، عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد شمار فرزندان تأثیر می‌گذارد. او ضمن برشمردن دو نوع هزینه، از سه نوع منفعت در مورد شمار فرزندان نام می‌برد: نخست، فرزند کالایی که می‌تواند منبع لذت برای والدین باشد (کالای مصرفی)؛ دوم، فرزند به‌عنوان نیروی کار که می‌توان از او به‌گونه مجانی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده کرد؛ سوم، تأمین و

1. Craib
2. James Kelman
3. Weber
4. Harvey Leibenstein

نگهداری والدین را در بُعد منفعت و رضایت تعریف می‌کند (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۱) که براساس تئوری لیبنشتاین می‌توان تحلیل جامع‌تری از تغییر الگوی باروری در جامعه ایرانی داشت.

ج. دیدگاه جهانی‌شدن

با گسترده‌شدن روابط اجتماعی در جامعه انسانی، تغییراتی در ارزش‌ها و نگرش انسان به زندگی رخ داده که سبک زندگی متفاوتی را موجب شده‌است. در این مطالعه دگرگونی نهاد خانواده مورد بحث قرار گرفته‌است و یکی از تئوری‌های مهمی که می‌تواند به درک و تفسیر این تغییر کمک کند، دیدگاه جهانی‌شدن است؛ زیرا جهانی‌شدن گسترش روال‌ها، روابط، آگاهی و سازمان حیات اجتماعی جهانی است (گیدنز، ۱۳۹۵: ۷۶۶). جهانی‌شدن ندیدن تفاوت‌های جامعه انسانی و رسیدن به یک اشتراک جهانی است (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۳). جهانی‌شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده‌است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲). از طریق جهانی‌شدن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین در بر داشته باشد (Scholte, 1993: 13). گیدنز (۱۳۷۷: ۷۶) معتقد است «جهانی‌شدن مترادف با تشدید روابط اجتماعی است؛ همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارد، شکل می‌گیرد و بالعکس». یکی از این نهادها که مطمئناً از فرایند جهانی‌شدن تأثیر پذیرفته خانواده است. تغییر ارزش‌ها در ساختار خانواده با تأثیر جهانی‌شدن به‌وسیله شبکه‌های ارتباطی، صورت گرفته‌است که یکی از مظاهر برونی آن را می‌توان در تغییر ساختار جمعیتی خانواده مشاهده نکرد. یکی از ویژگی‌های اصلی جهانی‌شدن ارتباطات متقابل است؛ اما برخلاف وابستگی متقابل که بر دوجانبه‌بودن تأکید دارد، جهانی‌شدن امکان وابسته‌شدن را نیز در نظر می‌آورد (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۳). گیدنز از طریق بازاندیشی مفهوم جهانی‌شدن و تأکید بر ارکان اصلی مدرنیته؛ اعم از نظام سرمایه‌داری، صنعتی-شدن، قدرت نظامی و نظارت و کنترل، این فرایند را در جهت پروژه ناتمام مدرنیته مورد تحلیل

قرار می‌دهد. او از منظر شکل‌گیری و تکوین، فرآیند جهانی‌شدن را به گذار کامل از مدرنیته مشروط و محدود نمی‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۵).

از دیدگاه گیدنز جهانی‌شدن پدیده‌ای است چندبعدی، که هر یک از ابعاد جهانی‌شدن موجب شده‌است که نوع، شرایط و سطح زندگی روزمره انسان به‌طور اساسی متحول شود. در شرایط جهانی‌شدن، ابعادی در شرایط جدید پدیدار شده‌است که سطح زندگی روزمره را تغییر داده‌است؛ به‌طور مثال زندگی و هویت زنان در جامعه جدید دچار دگرگونی اساسی شده و از چارچوب‌های سنتی و بومی محض به‌درآمده و امکان حیات مؤثر را در سطح وسیع‌تری بدان‌ها بخشیده‌است. ارتباط انسان‌ها فراتر از مرزهای محلی و کنش متقابل آن‌ها با پدیده‌های اجتماعی که فراتر از مکان و سنت‌های مکان‌محور هستند، امکان نوع جدیدی از زندگی روزمره را به آن‌ها داده‌است که ابعاد جهانی دارند (Giddens, 1999: 1).

از آنجاکه نقش زنان به‌عنوان یک عضو مؤثر در ساختار خانواده، همیشه مورد تأکید بوده‌است، دگرگونی در هویت زنان می‌تواند به قدری قدرتمند باشد که نه تنها منجر به تغییر در خانواده؛ بلکه انعکاس این دگرگونی می‌تواند جامعه را نیز دچار تغییر کند. از آنجا که خانواده دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد به‌درستی باید گفت، خانواده همپای جامعه حرکت می‌کند (لبیبی، ۱۳۹۳: ۳۵۸-۶۵۹)؛ این همان نکته حیاتی است که می‌تواند تغییرات جامعه را به درجه خانواده متصل کند. واحد اصلی جامعه و همچنین منبع اصلی جامعه-پذیری، خانواده است. خانواده نیز تحت تأثیر جهانی‌سازی قرار گرفته‌است؛ اگرچه این واقعیت است که فرایندهایی مانند صنعتی‌شدن و نوسازی، بر ساختار خانواده در سال‌های اولیه تأثیر گذاشته‌است. جهانی‌سازی نتیجه تعاملات مختلف اجتماعی و فرهنگی بین توده‌هاست (Kumar, 2012: 12).

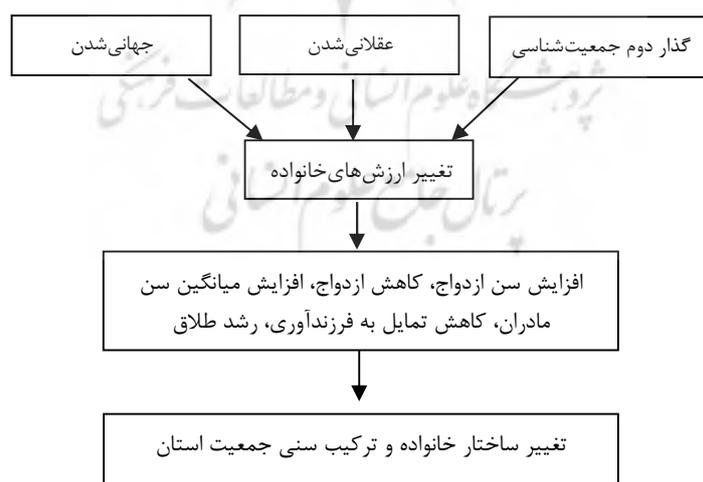
با تحول در جامعه، خانواده نیز دچار تحول می‌شود. با توجه به این که اجتماعات مختلف به درجات مختلف در معرض تغییر بوده‌اند، خانواده نیز در اجتماعات مختلف باید به درجات مختلف تغییر کرده باشد (سرایبی، ۱۳۸۵: ۴۰). هاثورن^۱ در خصوص تأثیر شهرنشینی و تحصیلات بر ساختار خانواده، معتقد است این درست است که در تمامی جوامع، آگاهی از کنترل مولید، با شهرنشینی، تحصیلات

1. Hawthorne

بالتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بر متغیرهای تبیینی دیگر نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان تأثیر قابل توجهی دارد (لوکاس و میر، ۱۳۸۳: ۱۷). البته این امر در ایران هم می‌تواند مصداق داشته باشد؛ زیرا عباسی شوازی و عسکری ندوشن (۱۳۸۴: ۶۲) در نتایج تحقیق خود آورده‌است زوج‌هایی که در محیط شهر پرورش یافته‌اند، زنانی که از سطح بالاتر تحصیلی برخوردار هستند و زنانی که در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، تعداد فرزندان کمتری دارند. خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در فرآیند جهانی‌شدن دچار تناقضات روزافزون می‌شود (ترنر، ۱۳۸۱: ۲۹۴). همان‌طور که در مباحث فوق مطرح شد، جهانی‌شدن می‌تواند یکی از عواملی باشد که منجر به تغییر نقش در خانواده سنتی و تبدیل آن به خانواده مدرن شد و تغییر ماهیت خانواده در دنیای مدرن، آسیب‌هایی را در پی داشت که برای مقابله درست با آن‌ها باید تغییرات خانواده به‌طور دقیق بازشناسی و مسأله‌یابی شود تا در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌سازی درست صورت پذیرد. در جمع‌بندی مبانی نظری بیان‌شده در سطور قبل، می‌توان چارچوب نظری این پژوهش را این‌گونه بیان کرد که:

خانواده واحد اصلی جامعه و همچنین منبع اصلی جامعه‌پذیری است. کانون تغییر ارزش‌ها در جوامع انسانی نیز از خانواده آغاز می‌شود؛ پس رابطه میان تحولات اجتماعی و تغییرات جمعیتی خانواده، امری قابل پیش‌بینی است. نظریه گذار جمعیتی دوم، اساساً معطوف به صنعت و ویژگی‌های خانواده نوین در دهه‌های اخیر است. خانواده در جوامع صنعتی دچار تحولات بنیادینی از جمله کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش زندگی‌های بدون ازدواج، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، کاهش ولادت، افزایش موالید خارج از ازدواج و افزایش طلاق شده‌است. همه تغییراتی که در خصوص ویژگی‌های گذار دوم جمعیتی بیان شد را می‌توان نشانه‌هایی از جهانی‌شدن در جامعه دانست. مطابق نظریه عقلانی‌شدن، کاهش فرزندآوری می‌تواند نتیجه ارزیابی والدین از منافع باشد که داشتن فرزند نصیبشان می‌کند که این مسأله می‌تواند همه انواع ارزیابی‌ها؛ از جمله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل شود. در گذار دوم جمعیتی، تغییر ارزش‌های فرهنگی در جامعه و تغییر موقعیت زنان، اشتغال، تحصیلات و... باعث تغییراتی در سن ازدواج و افزایش سن فرزندآوری، افزایش باروری خارج از ازدواج و نیز افزایش بی‌فرزندگی در بین زوجین شده‌است. کنش عقلانی ویژگی بارز جامعه انسانی است که در همه ابعاد زندگی خود را نشان

می‌دهد که از جمله تأثیرات آن، در فرزندآوری است. براساس این نظریه، کاهش فرزندآوری می‌تواند نتیجه ارزیابی والدین از منافع باشد که در نتیجه داشتن فرزند نصیبشان می‌شود. با توجه به تغییرات ایجادشده در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خانواده به این نتیجه رسیده است که فرزندآوری باید کاهش یابد که این نتیجه‌گیری والدین می‌تواند ناشی از تحولات گسترده و عمیقی باشد که در دهه‌های اخیر به دلایلی چون صنعتی‌شدن، رشد شهرنشینی، جهانی‌شدن و مسائل دیگر در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی کشور ما رخ داده است. در جوامع رو به توسعه، ارزش‌ها با آهنگی آرام تغییر می‌کنند؛ مانند نحوه انتخاب همسر که از یک تصمیم اقتصادی و مبتنی بر تصمیم و رأی دیگر افراد و اعضای خانواده، تبدیل به یک تصمیم عاطفی و احساسی شده است. حق انتخاب آزاد همسر، آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم‌گیری در خانواده، عادی‌شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییراتی است که ما را متقاعد به حضور عقلانیت در همه ابعاد زندگی می‌کند؛ در نتیجه با تغییر ارزش‌ها، تصمیم افراد در خصوص سن ازدواج، فرزندآوری و نیز تداوم زندگی زناشویی تغییر می‌کند؛ پس این تغییر در تصمیم‌گیری، خودش را به صورت عینی، در فراوانی ولادت، ازدواج و طلاق نشان می‌دهد و تغییر فراوانی آمارهای ثبتی می‌تواند انعکاس تغییر ارزش‌ها و در نتیجه تغییر ساختار خانواده باشد؛ در نتیجه می‌توان برای تغییر ساختار خانواده به مدل زیر (نمودار ۱) رسید:



نمودار ۱) مدل تغییر ساختار خانواده (نگارندگان)

با عنایت به ۱۴ بند سیاست‌های جمعیتی تعیین‌شده از سوی مقام معظم رهبری، نتایج این پژوهش می‌تواند در شناخت بهتر و تنظیم سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های آتی استان‌های خراسان بزرگ کمک کننده باشد. این مقاله در صدد است با رصد تغییرات ایجادشده در ثبت آمارهای ولادت، ازدواج و طلاق به این پرسش‌های پاسخ گوید:

۱. با توجه به بازه زمانی انتخاب‌شده (۱۳۵۵-۱۳۹۵) آیا وضعیت آمارهای ثبتی (ولادت، ازدواج و طلاق) در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تغییر محسوسی داشته‌است که بتوان از این تغییر به تغییر نگرش و تصمیم مردم در موضوع ساختار خانواده رسید؟
۲. با توجه به روند کاهشی ولادت، آیا میانگین سنی مادران در ۱۲ سال اخیر در استان‌های خراسان بزرگ تغییر محسوسی داشته‌است؟
۳. با توجه به فرایند جهانی شدن، انتخاب عقلانی و وضعیت گذار جمعیتی جامعه ایران، آیا رتبه فرزندآوری مادران در گروه‌های سنی مختلف در استان‌های خراسان بزرگ نیز تغییر یافته‌است؟
۴. آیا وضعیت گروه سنی زنان در ازدواج می‌تواند به سن باروری آن‌ها مرتبط باشد؟

روش پژوهش

در این مطالعه از روش‌های مطالعه اسنادی و تحلیل ثانویه استفاده شده‌است. سازمان‌های دولتی یا خصوصی به صورت نظام‌مند انواع مختلفی از اطلاعات را براساس تصمیمات سیاسی و یا نوع خدمت گردآوری می‌کنند. چون آمارهای موجود معمولاً برای پاسخگویی به سؤال خاصی طراحی نشده‌اند، ممکن است دقیقاً با مدل قیاسی طرح پژوهش همساز نباشند؛ بدین جهت نگارنده داده‌ها را به صورت خلاقانه در قالب متغیرها سازمان‌دهی می‌کند؛ به همین دلیل نیومن^۱ (۱۳۹۵: ۱۹۶) مشخص کردن موضوعات مناسب برای پژوهش آمارهای موجود را دشوار می‌داند. در این مقاله از آمارهای آرشو شده در سازمان ثبت احوال کشور که سالانه به صورت سالنامه جهت اطلاع عمومی منتشر می‌شود بهره گرفته شده و تلاش شده‌است آمارها مورد تحلیل ثانویه قرار گیرند. بیکر تحلیل ثانوی را تحلیل جدیدی از داده‌ها می‌داند که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند.

آمارهای منتشرشده از سوی سازمان ثبت احوال کشور بسیار متقن است؛ زیرا منبع داده‌ها کاملاً مستند و بر اساس اسناد هویتی دولتی (شناسنامه‌های صادرشده برای نوزادان، اعلامیه‌های ازدواج و طلاق) گردآوری می‌شود. جامعه آماری این مقاله استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی است. در این مقاله براساس داده‌های موجود در آرشیو سازمان ثبت احوال کشور، از سه بازه زمانی بهره گرفته شده است. انتخاب بازه زمانی، بیشتر منوط به موجودیت داده‌های قابل دسترس در سالنامه تخصصی سازمان ثبت احوال کشور است:

بازه اول: بازه زمانی ۴۰ ساله در قالب ۴ دوره ده‌ساله انتخاب شد تا علاوه بر امکان مقایسه درست تغییرات ایجادشده در یک بازه زمانی معقول، قابل بررسی باشد. داده‌ها از سال ۱۳۵۵ انتخاب شد تا احتمال کم‌ثبیتی در ثبت رویدادهای ولادت، ازدواج و طلاق به حداقل برسد. بازه دوم: مربوط به بررسی گروه‌های سنی مادران و ازدواج زنان بر اساس گروه سنی از سال ۱۳۸۶-۱۳۹۷ است.

بازه سوم: بررسی میانگین سن مادران از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۷ است.

تعریف مفاهیم

ولادت: واژه باروری درباره زن و شوهران یا زنان تنهایی که آدمی‌زایی می‌کنند، به کار می‌رود (پرسا، ۱۳۷۴: ۲۳۰).

ازدواج: ازدواج رابطه‌ای است که به شکل حقوقی به رسمیت شناخته شده است و میان یک زن و مرد بزرگسال به همراه برخی از حقوق و تکالیف است (مارشال، ۱۳۸۸: ۶۹۹).

طلاق: مارشال^۱ (همان: ۳۰۳) طلاق را فسخ رسمی و قانونی ازدواجی که قانونی بوده است می‌داند که شرایط لازم برای پایان‌دادن به ازدواج (طلاق) در فرهنگ و زمان‌های مختلف متفاوت است.

تعریف عملیاتی

ولادت: منظور از ولادت مجموع آمار فرزندانی است که در سال‌های مذکور از سازمان ثبت احوال کشور شناسنامه دریافت کرده‌اند.

ازدواج: منظور از آمار ازدواج، تمامی ازدواج‌هایی است که در سامانه تخصصی سازمان ثبت احوال کشور به صورت رسمی ثبت شده‌است.

طلاق: منظور از آمار طلاق، تمامی طلاق‌هایی است که در سامانه تخصصی سازمان ثبت احوال کشور به صورت رسمی ثبت شده‌است.

یافته‌ها

در این مجال یافته‌های حاصل از بررسی آمارهای ولادت، ازدواج و طلاق در کشور و سه استان خراسان رضوی خراسان شمالی و خراسان جنوبی طی سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، با هدف نمایش روند تحولات ساختار خانواده، با نگاه به شاخص‌های وقایع حیاتی، ارائه می‌شود.

بررسی روند تغییر تمایل خانواده به فرزندآوری در خراسان بزرگ

جدول ۳) گروه اول، بررسی مقایسه‌ای تغییرات ولادت ۱۳۹۵-۱۳۵۵

استان‌ها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۶۵-۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۶۵-۵۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۸۵-۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۹۵-۸۵
کشور	۱۳۹۹۹۷۷	۲۲۵۶۹۷۱	۶۱٫۲	۱۱۸۷۹۰۳	۱۲۵۲۹۱۲	-۴۷٫۴	۱۱۸۷۹۰۳	۱۲۵۲۹۱۲	۵۱٫۶	۱۲۵۲۹۱۲	۱۵۲۸۰۵۳	۲۱٫۹
خراسان رضوی	۱۲۵۰۷۷	۲۲۵۶۹۱	۸۲	۱۲۱۵۲۸	۱۱۱۸۸۳	-۵۰٫۶	۱۲۱۵۲۸	۱۱۱۸۸۳	-۷٫۹	۱۱۱۸۸۳	۱۴۸۵۰۰	۳۲٫۷
خراسان شمالی					۱۷۷۵۰		۱۷۷۵۰	۱۷۷۵۰	-	۱۷۷۵۰	۱۹۱۹۸	۸٫۲
خراسان جنوبی					۱۳۰۳۷		۱۳۰۳۷	۱۳۰۳۷	-	۱۳۰۳۷	۱۸۳۳۲	۴۰٫۶

زاد و ولد یا تولد یک واقعه جمعیت‌شناسی و از نخستین عوامل حرکت‌های جمعیت است. از این رو، سیاست‌های جمعیتی در دنیا به‌طور عمده، حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می‌شود. در جدول ۳، تغییرات ولادت در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ با فاصله ۱۰ سال با یکدیگر مقایسه می‌شود؛ با این هدف که تغییراتی که در تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری طی این سال‌ها رخ داده‌است، نشان داده شود. درصد تغییرات ولادت در کشور، علاوه بر وابسته‌بودن به سیاست‌های جمعیتی در کشور مطمئناً وابسته به تغییراتی است که در باورهای خانواده نسبت به باروری ایجاد شده‌است. رشد ۰/۸۲٪ ولادت در خراسان رضوی در مقایسه با سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ کاهش چشمگیر ۰/۵۰٪ ولادت در مقایسه بین سال ۶۵ و ۷۵، می‌تواند نمایشی از تغییر تصمیم خانواده در موضوع فرزندآوری باشد.

گرایش به ازدواج در خراسان بزرگ

جدول (۴) بررسی مقایسه‌ای تغییرات ازدواج ۱۳۵۵-۱۳۹۵

استان‌ها	۱۳۵۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۶۵-۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۷۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۸۵-۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	درصد تغییر ۸۵-۹۵
کل کشور	۱۶۷۹۵۰	۳۴۰۳۴۲	۱۰۲/۶	۴۷۹۲۶۲	۴۰/۱۸	۶۲/۴	۷۷۸۲۹۱	۷۷۸۲۹۱	۶۲/۴	۷۷۸۲۹۱	۷۰۴۷۱۶	-۹/۵
خراسان رضوی	۱۳۴۲۶	۳۹۲۲۴	۱۹۲/۱	۴۹۲۲۴	۳۶/۶	۳۶	۷۲۸۶۳	۷۲۸۶۳	۳۶	۷۲۸۶۳	۶۰۵۲۶	-۱۶/۹
خراسان شمالی							۱۰۸۹۲	۱۰۸۹۲		۱۰۸۹۲	۹۶۹۴	-۱۱
خراسان جنوبی							۷۵۰۲	۷۵۰۲		۷۵۰۲	۷۳۵۰	-۲

در جدول ۴، تغییرات ۱۰ ساله ثبت ازدواج در کشور در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۹۵ و ۱۳۸۵ نشان داده شده است. در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۰۲/۶٪ رشد در ثبت واقعه ازدواج رخ داده که این رشد حتماً قابل تأمل در مسائل اجتماعی و جمعیت‌شناختی است. دهه دوم (۱۳۶۵-۱۳۷۵)، میزان ازدواج‌های ثبت‌شده در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۰/۸٪ رشد داشته است و با روند صعودی ثبت ازدواج در کشور در دهه سوم با افزایش ۶۲/۴٪ نسبت به سال ۱۳۷۵، نمودار ثبت ازدواج شیب صعودی را در پیش گرفته تا دهه چهارم که توقفی در روند صعودی ازدواج رخ داده است؛ به طوری که در سال ۱۳۹۵ در قیاس با ده سال قبل از خود، کاهش ۹/۵٪ در ازدواج به وجود آمد. در استان خراسان رضوی نیز در فاصله ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ شاهد رشد ۱۹۲/۶٪ ازدواج هستیم؛ به عبارت دیگر در خراسان بزرگ که استان‌های خراسان شمالی و خراسانی جنوبی را نیز در خود دارد، بیش از ۹۰٪ در قیاس با کشور تمایل بیشتری به تشکیل خانواده وجود دارد. رشد قابل توجه گرایش به تشکیل خانواده همچنان در ۱۰ سال آینده وجود دارد و حتی ۳۶/۶٪ نسبت به ۱۰ سال قبلش، تمایل بیشتری به ازدواج دیده می‌شود. در مقایسه ازدواج سال ۱۳۹۵ با ۱۰ سال قبل از خود در هر سه استان شاهد کاهش ازدواج هستیم و این امر مشابه وضعیت در کشور است؛ گویی کاهش تمایل به ازدواج مسئله‌ای است که کل کشور را درگیر کرده است. فراز و فرود قابل تأمل، هم در کشور و هم در استان‌های مطالعه‌شده قابل تأمل است. روند مثبت در ازدواج در سه دهه، کم‌کم کاسته شده و در دهه چهارم به رشد منفی رسیده است. کاهش ازدواج علاوه بر هشدار در خصوص تغییر تمایل افراد به تشکیل خانواده، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش فرزندآوری و تغییر شکل و ساختار جمعیت را نیز رقم بزند.

روند تغییرات فراوانی طلاق در خراسان بزرگ

جدول ۵) بررسی مقایسه‌ای تغییرات طلاق ۱۳۵۵-۱۳۹۵

درصد تغییر ۹۵-۸۵	۱۳۹۵	۱۳۸۵	درصد تغییر ۸۵-۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	درصد تغییر ۷۵-۶۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	درصد تغییر ۶۵-۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	استان‌ها
۹۲/۵	۱۸۱۰۴۹	۹۴۰۳۹	۱۴۸/۷	۹۴۰۳۹	۳۷۸۱۷	۷/۴	۳۷۸۱۷	۳۵۲۱۱	۹۴/۶	۳۵۲۱۱	۱۸۰۹۱	کشور
۷۸/۹	۱۶۵۸۰	۹۲۶۶	۱۱۸/۷	۹۲۶۶	۴۲۳۶	۱۶	۴۲۳۶	۲۶۵۲	۱۲۰/۹	۲۶۵۲	۱۶۵۳	خراسان رضوی
۱۳۲/۱	۱۹۴۸	۸۷		۸۷								خراسان شمالی
۱۲۹/۱	۱۱۹۶	۵۲۲		۵۲۲								خراسان جنوبی

در جدول ۵، تغییرات ۱۰ ساله ثبت طلاق در کشور در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ نشان داده شده است. در سال ۱۳۵۵ تعداد ۱۸۰۹۱ واقعه طلاق در کشور ثبت شده که در سال ۱۳۶۵ ثبت این واقعه حدود ۹۴/۶٪ رشد داشته است. در دهه (۱۳۶۵-۱۳۷۵)، میزان طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۷۵ حدود ۷/۴٪ افزایش را نشان می‌دهد. در دهه سوم نیز با ادامه این روند، با سرعت بیشتر روبه‌رو شدیم؛ به طوری که سال ۱۳۸۵ در قیاس با ده سال قبل از خود، افزایشی در حدود ۱۴۹٪ را نشان می‌دهد. افزایش طلاق در دهه چهارم نیز با رشد ۹۲/۵٪ ادامه دارد؛ به طوری که در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۸۱۰۴۹ واقعه طلاق در کشور به ثبت رسیده است. روند صعودی طلاق در خراسان بزرگ نشانه‌ای است که می‌تواند ذهن را به تغییر هنجارها رهنمون کند. در بررسی آمارهای طلاق در استان خراسان رضوی در فاصله ۱۰ ساله ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به رشد بیش از ۱۲۰٪ رسیده است. روندی که حتی از کشور پیشی گرفته است. در دهه دوم مقایسه فراوانی طلاق، استان خراسان رضوی در رشد طلاق، دو برابر کشور، رشد دارد. رشد واقعه طلاق از دهه چهارم همچنان ادامه دارد. رشد طلاق مسئله‌ای اجتماعی است که چه از منظر آسیب‌های اجتماعی و چه به لحاظ تأثیر مستقیم در ساختار سنی و جنسی جمعیت، نمی‌توان از آن چشم

پوشید. در جمع‌بندی بررسی آمارهای ثبتي ولادت، ازدواج و طلاق می‌توان گفت: استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی و خراسان شمالی به ترتیب از لحاظ ولادت وضعیت مناسب‌تری نسبت به کشور دارند؛ اما روند کاهشی ازدواج و روند صعودی طلاق در استان‌هایی که تاریخچه مذهبی دارند هم می‌تواند زنگ خطری برای تهدید ساختار جمعیتی استان باشد و هم آسیب‌های اجتماعی ناشی از این وقایع، می‌تواند به سلامت اجتماعی جامعه ضربه وارد کند.

نگاهی به وضعیت نسبت طلاق به ازدواج در کشور و خراسان بزرگ

جدول ۶) بررسی میزان کل طلاق (نسبت طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج)

۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۲۵/۷	۱۲/۱	۷/۹	۱۰/۳	۱۰/۸	کل کشور
۱۶/۳	۷	-	-	-	خراسان جنوبی
۲۷/۴	۱۲/۷	۷/۹	۹/۳	۱۲/۳	خراسان رضوی
۲۰/۱	۸/۱	-	-	-	خراسان شمالی

در جدول ۶، به بررسی میزان طلاق به ازای هر ۱۰۰ ازدواج پرداخته شده‌است. در سال ۱۳۵۵ به ازای هر ۱۰۰ ازدواج ۱۰/۸ واقعه طلاق در کشور و در خراسان رضوی ۱۲/۳ واقعه طلاق ثبت شده‌است؛ به عبارت بهتر استان خراسان رضوی در مقایسه با کل کشور، ضریب طلاق بالاتری از کشور داشته‌است و این شاخص در سال ۱۳۹۵ در کشور به ۲۵/۷ و در استان خراسان رضوی نیز به نسبت ۲۷/۴ صعود می‌کند؛ اما نکته قابل تأمل، بالاتر بودن این شاخص در استان خراسان رضوی در قیاس با کشور است. خراسان جنوبی بعد از تشکیل، همیشه در قیاس با ۲ استان دیگر نسبت ۱۰۰ ازدواج به طلاق پایین‌تری داشته‌است.

تحول در خانواده بر پایه تغییر گروه سنی مادران در خراسان بزرگ

زاد و ولد یکی از عوامل مهم در تحولات ساختار سنی- جنسی جمعیت است که پایه‌پای دگرگونی‌های ساختاری (مانند صنعتی‌شدن، شهرنشینی و...) تغییر یافته‌است. از نظر تاریخی، افول بلندمدتی در سطح باروری در جوامع صنعتی وجود داشته‌است. این افول را در پیوند با توسعه و بازسازی اقتصادی، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، تغییر در تأمین رفاه و ارزش اقتصادی و اجتماعی کودکان و تحول در موقعیت اجتماعی زنان می‌دانند (مارشال، ۱۳۸۸: ۴۰۹). کشور ما نیز مانند کشورهای صنعتی، کاهش باروری را تجربه کرده‌است. این بخش از مقاله سعی دارد تا با استفاده از آمارهای موجود در سازمان ثبت احوال کشور از سال ۱۳۸۶-۱۳۹۷ به توصیف تغییرات گروه سنی مادران در سال‌های مذکور بپردازد تا به شناخت عمیق‌تری از تغییرات ساختار خانواده در استان‌های خراسان بزرگ دست یابد.

جدول ۷) فراوانی مولید بر اساس گروه سنی مادران در استان خراسان رضوی ۱۳۸۶-۱۳۹۷

سال	کل	کمتر از ۱۵ سال	۱۹-۱۵	۲۴-۲۰	۲۹-۲۵	۳۴-۳۰	۳۹-۳۵	۴۴-۴۰	۴۹-۴۵	بیشتر از ۴۹ سال	نامشخص
۱۳۸۶	۱۰۵۷۳۶	۱۱۰	۱۰۰۶۸	۳۳۷۱۰	۳۱۶۸۱	۱۹۱۱۳	۸۶۷۶	۱۹۴۱	۲۲۳	۲۱۴	.
۱۳۸۷	۱۱۰۱۹۲	۱۲۸	۱۰۴۵۵	۳۴۵۴۱	۳۳۵۸۸	۲۰۰۴۴	۸۹۷۶	۲۰۰۵	۲۴۴	۲۱۱	.
۱۳۸۸	۱۱۳۶۹۹	۱۰۸	۱۰۳۷۰	۳۴۴۸۷	۳۵۲۶۶	۲۱۶۵۰	۹۱۶۱	۲۱۴۰	۲۱۶	۲۰۱	.
۱۳۸۹	۱۱۷۰۱۳	۱۲۶	۱۰۵۵۴	۳۴۲۱۸	۳۶۲۹۶	۲۲۹۷۱	۱۰۰۵۴	۲۲۳۳	۱۷۹	۲۱	۳۶۱
۱۳۹۰	۱۲۲۵۱۷	۱۱۲	۱۰۹۵۳	۳۴۶۸۱	۳۸۶۲۷	۲۴۷۹۲	۱۰۴۳۰	۲۳۰۹	۱۳۹	۱۹	۴۵۵

۶۱۰۵	۸۳۴	۸۲۲	۸۴۴	۷۸۲	۷۹۴	۶۲۷	۵۸۶
۸۸۸	۲۰	۱۵	۱۵	۱۶	۷	۱۸	۳۱
۲۵۲۸	۲۴۶	۲۵۲	۲۲۴	۲۱۳	۲۲۵	۱۸۷	۱۷۰
۳۵۹۳۶	۴۳۱۷	۴۴۲۱	۴۱۷۸	۳۹۷۱	۳۲۷۹	۲۷۲۲	۲۴۲۰
۱۵۹۱۷۴	۱۷۲۹۶	۱۸۴۶۵	۱۸۰۱۳	۱۸۰۴۸	۱۵۵۹۸	۱۳۱۰۰	۱۱۳۵۸
۳۲۹۰۲۱	۳۲۴۴۱	۳۵۵۶۴	۳۶۱۸۷	۳۶۶۳۵	۳۳۵۱۹	۲۹۶۹۳	۲۶۴۲۲
۴۷۰۰۳۵	۳۵۶۹۲	۴۰۰۲۷	۴۲۹۰۶	۴۶۳۵۳	۴۵۵۷۲	۴۳۵۹۸	۴۰۴۲۹
۳۹۷۷۹۸	۲۶۹۲۸	۲۹۷۴۸	۳۰۸۸۶	۳۳۵۱۳	۳۴۶۱۶	۳۵۸۸۳	۳۴۶۶۷
۱۲۸۹۱۶	۱۰۲۷۳	۱۰۷۱۲	۱۰۴۳۱	۱۰۸۹۹	۱۱۲۱۴	۱۱۸۵۰	۱۱۱۳۷
۱۷۰۱	۱۵۵	۱۸۲	۱۷۱	۱۴۹	۱۴۸	۱۵۸	۱۵۴
۱۵۴۲۲۰۲	۱۲۸۲۲۲	۱۴۰۲۰۸	۱۴۳۸۶۵	۱۵۰۵۶۸	۱۴۴۹۷۲	۱۳۷۸۲۶	۱۲۷۳۷۴
جمع	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱

جدول ۷. فراوانی موالید بر اساس گروه سنی مادران از سال ۱۳۸۶-۱۳۹۷ خراسان رضوی را نشان می‌دهد. مادران ۲۵-۲۹ ساله بیشترین فرزندآوری را داشته‌اند و کمترین موالید مربوط به مادرانی با بیشتر از ۴۹ سال است.

جدول ۸) فراوانی موالید بر اساس گروه سنی مادران در استان خراسان شمالی ۱۳۸۶-۱۳۹۷

نامشخص	.	.	.	۹	۱۰	۱۲	۵	۱۱	۶	۶	۷	۳	۶۹
بیشتر از ۴۹ سال	۱۲	۹	۱۳	۵	۵	۶	۲	۲	۶	۶	۳	۳	۷۲
۴۹-۴۵	۴۳	۳۸	۲۸	۳۲	۲۸	۲۸	۲۵	۲۳	۴۴	۲۷	۲۹	۴۰	۳۸۵
۴۴-۴۰	۲۷۱	۳۰۰	۳۴۱	۳۲۴	۳۳۳	۳۴۰	۳۹۳	۴۲۱	۴۷۳	۵۰۶	۴۸۲	۴۲۱	۴۶۱۵
۳۹-۳۵	۱۲۵۲	۱۲۴۴	۱۴۷۳	۱۴۶۱	۱۴۵۹	۱۵۷۷	۱۷۹۹	۱۹۵۱	۲۱۵۰	۲۱۷۴	۲۲۲۷	۲۰۷۷	۲۰۸۴۴
۳۴-۳۰	۲۶۸۳	۲۷۹۱	۳۱۹۷	۳۲۸۴	۳۵۱۳	۳۵۹۲	۳۹۳۵	۴۱۵۹	۴۳۷۹	۴۴۶۹	۴۳۱۳	۳۹۰۱	۴۴۲۱۶
۲۹-۲۵	۴۴۱۸	۴۵۵۳	۵۱۱۶	۵۱۸۲	۵۳۲۶	۵۴۰۸	۵۸۲۱	۵۶۳۰	۵۸۳۴	۵۳۸۴	۵۲۱۲	۴۵۴۶	۶۲۴۳۰
۲۴-۲۰	۴۸۱۲	۴۸۳۶	۵۲۰۸	۵۱۵۵	۵۱۰۹	۴۹۷۸	۵۳۳۲	۴۹۶۹	۴۷۳۰	۴۵۲۶	۴۲۱۸	۳۶۹۷	۵۷۵۷۱
۱۹-۱۵	۱۸۴۱	۱۹۳۷	۲۰۹۵	۱۹۹۶	۲۰۵۵	۱۹۶۲	۲۱۰۲	۲۰۴۶	۱۸۱۷	۱۷۶۵	۱۶۶۶	۱۵۵۴	۲۲۸۳۶
کمتر از ۱۵ سال	۳۹	۲۳	۴۸	۳۹	۴۵	۴۱	۵۱	۳۹	۳۰	۳۶	۳۸	۳۵	۴۶۴
کل	۱۵۳۷۲	۱۵۷۳۱	۱۷۵۱۹	۱۷۴۸۷	۱۷۸۸۳	۱۷۹۴۴	۱۹۴۶۵	۱۹۲۵۱	۱۹۴۶۹	۱۸۸۹۹	۱۸۱۹۵	۱۶۲۸۷	۲۱۳۵۰۲
سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	جمع

جدول ۸، فراوانی موالید بر اساس گروه سنی مادران از سال ۱۳۸۶-۱۳۹۷ خراسان شمالی را نشان می‌دهد. مادران ۲۵-۲۹ ساله بیشترین فرزندآوری را داشته‌اند و کمترین موالید مربوط به مادرانی با بیشتر از ۴۹ سال است.

جدول ۹) فراوانی موالید بر اساس گروه سنی مادران در استان خراسان جنوبی ۱۳۸۶-۱۳۹۷

سال	کل	کمتر از ۱۵ سال	۱۹-۱۵	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۴	۴۵-۴۹	بیشتر از ۴۹ سال	نامشخص
۱۳۸۶	۱۳۲۲۲	۵	۷۴۹	۳۴۴۲	۳۷۵۳	۲۵۷۵	۱۳۷۵	۲۵۸	۲۵	۲۹	۰
۱۳۸۷	۱۳۷۵۰	۶	۷۴۲	۳۵۳۹	۳۸۵۱	۲۷۳۴	۱۴۲۹	۳۹۲	۳۶	۳۱	۰
۱۳۸۸	۱۳۰۴۶	۵	۷۷۱	۳۵۸۳	۴۰۱۳	۲۸۱۷	۱۴۲۴	۳۷۹	۲۵	۱۹	۰
۱۳۸۹	۱۳۳۳۵	۸	۷۸۹	۳۵۹۱	۴۱۱۴	۲۸۸۹	۱۴۹۵	۴۰۴	۳۱	۳	۲۱
۱۳۹۰	۱۴۳۳۰	۲	۸۷۹	۳۷۴۶	۴۳۷۶	۳۰۶۸	۱۶۴۲	۴۷۰	۲۸	۱	۱۷
۱۳۹۱	۱۴۵۳۳	۷	۸۸۵	۳۶۷۲	۴۶۴۰	۳۱۳۴	۱۶۸۶	۴۴۷	۱۵	۴	۳۳
۱۳۹۲	۱۷۰۹۲	۳	۱۰۱۰	۴۲۶۷	۵۵۱۰	۳۸۰۱	۱۹۶۱	۴۹۲	۲۸	۲	۱۸
۱۳۹۳	۱۷۹۵۰	۳	۸۸۸	۴۲۲۱	۵۷۴۹	۴۲۷۶	۲۱۲۰	۵۷۳	۴۳	۳	۲۹
۱۳۹۴	۱۸۵۲۷	۶	۸۹۷	۴۰۳۷	۵۸۶۴	۴۵۱۲	۲۴۹۲	۶۵۵	۳۹	۲	۳۳
۱۳۹۵	۱۷۹۳۰	۶	۸۳۳	۳۶۲۵	۵۴۶۵	۴۶۸۳	۲۵۱۳	۷۲۶	۴۹	۰	۳۰
۱۳۹۶	۱۷۳۹۴	۶	۹۱۳	۳۴۷۵	۵۲۰۶	۴۵۴۹	۲۴۹۰	۷۰۳	۳۵	۱	۱۶

۳۹	۰	۳۹	۶۳۵	۲۲۹۱	۴۳۲۱	۴۷۶۸	۳۲۷۰	۸۵۴	۵	۱۶۳۲۲	۱۳۹۷
۲۲۶	۸۵	۴۰۲	۶۲۳۴	۲۳۰۲۹	۴۳۳۴۹	۵۷۳۰۹	۴۴۴۵۹	۱۰۲۱۰	۶۲	۱۸۵۳۷۶	جمع

جدول ۹، فراوانی مولید بر اساس گروه سنی مادران از سال ۱۳۸۶-۱۳۹۷ خراسان جنوبی را نشان می‌دهد. مادران ۲۹-۲۵ ساله بیشترین فرزندآوری را داشته‌اند و کمترین مولید مربوط به مادران کمتر از ۱۵ سال بوده‌است.

گروه سنی مادران به لحاظ شهری و روستایی بودن در استان‌های خراسان بزرگ

جدول ۱۰ (بررسی گروه سنی مادران خراسان رضوی به لحاظ روستایی و شهری بودن ۱۳۸۶-۱۳۹۷)

بیشتر از ۴۹ سال	۴۹-۴۵	۴۴-۴۰	۳۹-۳۵	۳۴-۳۰	۲۹-۲۵	۲۴-۲۰	۱۹-۱۵	کمتر از ۱۵ سال	درصد از کل	گروه سنی مادران
۰/۰۶	۰/۱۶	۲/۳۳	۱۰/۳۲	۲۱/۹۸	۳۰/۴۸	۳۵/۸۰	۸/۳۶	۰/۱۱	۱۰۰	درصد از کل مولید
۰/۰۵	۰/۱۵	۲/۳۳	۱۰/۲۸	۲۲/۴۸	۳۱/۳۲	۲۵/۴۵	۷/۴۸	۰/۰۹	۸۰/۳	درصد از کل مولید شهری
۰/۰۹	۰/۲۴	۲/۲۷	۱۰/۴۹	۱۹/۹۵	۲۷/۰۵	۲۷/۲۱	۱۱/۹۳	۰/۲۰	۱۹/۷	درصد از کل مولید روستایی

جدول ۱۰، کل اسناد ولادت ثبت شده ۱۲ سال مورد بررسی در خراسان رضوی را نشان می دهد. ۸۰/۳٪ اسناد مربوط به والدینی است که در شهر سکونت داشتند و ۱۹/۷٪ از والدین ساکن روستا بوده اند.

جدول ۱۱) بررسی گروه سنی مادران خراسان شمالی به لحاظ روستایی و شهری بودن ۱۳۸۶-۱۳۹۷

بیشتر از ۴۹ سال	-۴۵	-۴۰	-۳۵	-۳۰	-۲۵	-۲۰	۱۹-	کمتر از ۱۵ سال	درصد از کل	گروه سنی مادران
۰/۰۳	۰/۱۸	۲/۱۶	۹/۷۶	۲۰/۷۱	۲۹/۲۴	۲۶/۹۷	۱۰/۷۰	۰/۲۲	۱۰۰	درصد از کل موالید
۰/۰۲	۰/۱۵	۱/۹۸	۹/۶۷	۲۱/۵۵	۳۰/۴۹	۲۶/۵۸	۹/۳۸	۰/۱۶	۶۵/۷	درصد از کل موالید شهری
۰/۰۶	۰/۲۳	۲/۵۱	۹/۹۴	۱۹/۱۱	۲۶/۸۵	۲۷/۷۱	۱۳/۲۱	۰/۳۳	۳۴/۳	درصد از کل موالید روستایی

جدول ۱۱، گویای ثبت ۶۵/۷٪ موالید شهری و ۴۳/۳٪ موالید روستایی در خراسان شمالی است.

جدول ۱۲) بررسی گروه سنی مادران خراسان جنوبی به لحاظ روستایی و شهری بودن ۱۳۸۶-۱۳۹۷

بیشتر از ۴۹ سال	-۴۵	-۴۰	-۳۵	-۳۰	-۲۵	-۲۰	۱۵-	کمتر از ۱۵ سال	درصد از کل	گروه سنی مادران
۰/۰۵	۰/۲۲	۳/۳۶	۱۲/۴۲	۲۳/۳۸	۳۰/۹۲	۲۳/۹۸	۵/۵۱	۰/۰۳	۱۰۰	درصد از کل موالید
۰/۰۲	۰/۱۵	۳/۰۷	۱۱/۹۶	۲۳/۵۰	۳۲/۱۲	۲۴/۰۳	۵/۰۱	۰/۰۳	۶۷/۷	درصد از کل موالید شهری
۰/۱۱	۰/۳۶	۳/۹۸	۱۳/۳۹	۲۳/۱۵	۲۸/۴۰	۲۳/۹۰	۶/۵۵	۰/۰۴	۲۳/۳	درصد از کل موالید روستایی

طبق جدول ۱۲، در استان خراسان جنوبی طی ۱۲ سال، ۶۷/۷٪ اسناد شهری و ۳۲/۳٪ اسناد روستایی ثبت شده است.

در مقایسه سه استان مورد مطالعه، استان خراسان رضوی بیشترین درصد موالید شهری و استان خراسان شمالی بیشترین درصد موالید روستایی را در کل اسناد خود تنظیم کرده است. در هر سه استان فرزندآوری در بین مادرانی با گروه های سنی کمتر از ۱۵ سال، ۱۵-۱۹ سال و ۲۰-۲۴ سال در روستاها بیشتر از شهرهاست و به دلایل مسائلی که در شهرنشینی مطرح می شود،

سن فرزندآوری در شهرها بیشتر از روستاهاست. فرزندآوری در گروه‌های سنی ۲۵-۳۹ سال در شهرها درصد بالاتری را در قیاس با فرزندآوری در روستا به خود اختصاص داده‌است. براساس آمار مولید ثبت‌شده، ریال گرایش به فرزندآوری از سن ۴۰ و بیشتر از ۴۹ در روستاها بیشتر از شهرهاست.

درصد تغییرات تمایل به فرزندآوری بر اساس گروه سنی مادران در کشور و استان‌های خراسان بزرگ (۱۳۸۶-۱۳۹۷)

جدول ۱۳) درصد تغییرات تمایل به فرزندآوری ۱۳۸۶-۱۳۹۷

گروه سنی	کشور		خراسان رضوی		خراسان شمالی		خراسان جنوبی		
	درصد تغییر	۱۳۹۷	۱۳۸۶	درصد تغییر	۱۳۹۷	۱۳۸۶	درصد تغییر	۱۳۹۷	۱۳۸۶
کمتر از ۱۵ سال	-۵	۱۵۰۲	۱۵۵	۴۰/۹	۳۹	۳۵	-۱۰/۳	۵	۵
۱۹-۱۵	-۲۷/۲	۸۲۴۴۰	۱۰۰۶۸	۱۰۰۲۷۳	۲	۱۸۴۱	-۱۵/۶	۷۴۹	۸۵۴
۲۴-۲۰	-۳۰/۷	۲۵۵۶۵۶	۳۳۷۱۰	۱۶۹۴۸	-۲۰/۱	۴۸۱۳	-۳۲/۲	۳۴۴۳	۳۲۷۰
۲۹-۲۵	۵/۳	۳۸۵۷۹۰	۳۱۶۸۱	۳۵۶۹۲	۱۲/۷	۴۴۱۸	۲/۹	۳۷۵۳	۴۷۶۸
۳۴-۳۰	۶۴/۸	۳۶۲۳۳۶	۱۹۱۱۳	۳۲۴۴۱	۶۹/۷	۲۶۸۳	۳۹۰/۱	۲۵۷۵	۴۲۲۱
۳۹-۳۵	۹۷/۸	۱۹۰۸۲۴	۸۶۷۶	۱۷۲۹۶	۹۹/۴	۱۲۵۲	۲۰۷۷	۱۳۷۵	۲۳۹۱
۴۴-۴۰	۱۲۲/۵	۴۴۰۶۸	۱۹۴۱	۴۳۱۷	۱۲۲/۴	۲۷۱	۴۳۱	۳۵۸	۶۳۵
۴۹-۴۵	۴۲/۵	۲۴۱۶	۲۲۳	۲۴۶	۱۰/۳	۴۳	۴۰	۳۵	۳۹
بیشتر از ۴۹ سال	-۹۰/۶	۳۴۵	۲۱۴	۲۰	-۹۰/۷	۱۲	۳	-۷۵	۲۹

هدف از ارائه جدول ۱۳، تغییرات طی ۱۲ سال است تا بتوان تغییراتی را که در انتخاب خانواده‌ها در فرزندآوری رخ داده‌است مورد توجه قرار داد. نقطه مشترک در تغییرات حاصله، آن است که فرزندآوری در مادران بالای ۴۹ سال هم در کشور و هم در سه استان شمالی کاهش یافته‌است. نکته مشترک دیگر میان کل کشور و سه استان خراسان بزرگ، آن است که گویا زنان ۲۵-۴۴ ساله در قیاس با سایر گروه‌های سنی، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند. در جدول ۱۳، تفاوت‌ها در تمایل به فرزندآوری در کشور با استان‌های مورد بررسی، نشان می‌دهد به‌طور مثال

تمایل به فرزندآوری در کل کشور و خراسان شمالی کاهش یافته؛ اما در خراسان رضوی حدود ۴۱٪ رشد داشته‌است. تمایل به فرزندآوری در مادران ۱۵-۱۹ در کل کشور و خراسان شمالی کم شده؛ اما در خراسان رضوی و جنوبی برعکس این روال است. در کشور، خراسان رضوی و جنوبی تمایل به فرزندآوری در زنان ۴۵-۴۹ سال افزایش یافته؛ اما در خراسان شمالی در این گروه سنی اندکی کاهش در موالید نشان داده شده‌است.

بررسی مقایسه‌ای گروه سنی مادران و سن ازدواج زنان

جدول ۱۴) مقایسه درصد گروه سنی ازدواج زنان و گروه سنی مادران ۱۳۸۶-۱۳۹۷

مکان	عنوان	زیر ۱۵ سال	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۴	۴۵-۴۹	بیشتر از ۴۹ سال
کشور	ازدواج	۵/۸	۳۰/۳	۳۱/۸	۱۸	۷/۳	۳/۳	۱/۷	۰/۹	۰/۸
	باروری	۰/۱	۷/۵	۲۴/۷	۳۱/۲	۲۳	۱۰/۵	۲/۳	۰/۲	۰/۱
خراسان رضوی	ازدواج	۷/۸	۳۷/۶	۲۹/۱	۱۴/۲	۶	۲/۶	۱/۱	۰/۶	۰/۹
	باروری	۰/۱	۸/۴	۲۵/۸	۳۰/۵	۲۲	۱۰/۳	۲/۳	۰/۲	۰/۱
خراسان شمالی	ازدواج	۸/۴	۳۸/۲	۲۹	۱۳/۷	۵/۵	۲/۴	۱/۱	۰/۶	۱/۱
	باروری	۰/۲	۱۰/۷	۲۷	۲۹/۲	۲۰/۷	۹/۸	۲/۲	۰/۱۸	۰/۰۳
خراسان جنوبی	ازدواج	۳/۸	۳۹/۱	۳۴/۹	۱۳/۵	۴/۸	۲/۱	۰/۹	۰/۴	۰/۵
	باروری	۰/۰۳	۵/۵	۲۴	۳۰/۹	۲۳/۴	۱۲/۴	۳/۴	۰/۲	۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۱۴ نشان داده شده‌است، بالاترین سهم ازدواج زنان، طی ۱۲ سال مورد بررسی، مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ و ۱۵-۲۹ سال می‌باشد؛ اما بیشترین سهم گروه سنی زنان در فرزندآوری، مربوط به گروه سنی ۲۵-۲۹ و بعد از آن ۲۰-۲۴ می‌باشد. طی ۱۲ سال مورد بررسی، سهم مادران با گروه سنی کمتر از ۱۵ سال، یک +۵۱۸ پنجم کسانی است که در گروه سنی مشابه ازدواج کرده‌اند. ۳۱/۳۰٪ از کل ازدواج‌های رخ داده در یازده سال (۱۳۸۶-۱۳۹۷) مربوط به زنان ۱۹-۱۵ سال است؛ در حالی که فرزندآوری در این گروه سنی فقط ۷/۵۳٪ می‌باشد. نکته قابل تأمل آن است که مقایسه سهم گروه سنی مادران کمتر از ۱۵ سال و ۱۹-۱۵ سال و

۲۰-۲۴ سال، ۴۵-۴۹، بیشتر از ۴۹ سال بیشتر از سهم فرزندآوری در گروه‌های سنی مزبور می‌باشد؛ اما در گروه‌های سنی بالاتر برعکس این قضیه اتفاق افتاده‌است؛ به عبارت دیگر گروه سنی (۲۵-۲۹، ۳۰-۳۴، ۳۵-۳۹، ۴۰-۴۴) سهم فرزندآوری بیشتری از سهم ازدواج دارند. در استان خراسان شمالی، سهم باروری زنان ۱۵-۱۹ ساله از دو استان دیگر بیشتر و بالاتر از میانگین کشوری است.

بررسی میانگین سن مادران از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۷

جدول (۱۵) میانگین سن مادران از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۷

مکان / سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
کشور	۲۷/۲۵	۲۷/۳۶	۲۷/۵۲	۲۷/۷۳	۲۸/۰۵	۲۸/۳۷	۲۸/۶۶	۲۸/۸۲	۲۸/۹۸
خراسان رضوی	۲۷/۱۲	۲۷/۱۵	۲۷/۳۰	۲۷/۵۰	۲۷/۸۷	۲۸/۲۳	۲۸/۴۰	۲۸/۴۴	۲۸/۴۹
خراسان شمالی	۲۶/۹۳	۲۶/۹۸	۲۷/۱۵	۲۷/۲۶	۲۷/۵۵	۲۷/۹۸	۲۸/۰۸	۲۸/۲۲	۲۸/۳۰
خراسان جنوبی	۲۸/۰۷	۲۸/۱۹	۲۸/۲۱	۲۸/۳۷	۲۸/۶۶	۲۸/۹۳	۲۹/۲۵	۲۹/۲۱	۲۹/۱۲

در جدول ۱۵، میانگین سن مادران طی فاصله سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۷ در کشور از ۲۷/۲۵ به ۲۸/۹۸، در خراسان رضوی از ۲۷/۱۲ به ۲۸/۴۹، در خراسان شمالی از ۲۶/۹۳ به ۲۸/۳۰ و در خراسان جنوبی از ۲۸/۰۷ به ۲۹/۱۲ رشد یافته‌است. در بین سه استان خراسان بزرگ، خراسان جنوبی دارای بالاترین میانگین سنی مادران و خراسان شمالی کمترین میانگین سنی باروری را داراست. همان‌طور که در جدول دیده می‌شود از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۷ میانگین سن مادران چه در کشور و چه در سه استان شمالی افزایش یافته‌است و این امر یکی از نشانه‌های تغییری است که در ساختار خانواده رخ داده‌است.

نتیجه‌گیری

آمارها می‌توانند زبان گویای تحولات ذهنی کنشگران باشند. در این مقاله روند تغییر آمارهای ثبتی، ما را به سمت تحول در نگرش جامعه مورد مطالعه در موضوع خانواده و تغییر در ساختار خانواده رهنمون کرد. بررسی تغییرات ولادت و طلاق در سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی نشان داد که علی‌رغم اهمیت خانواده در جامعه ایرانی و مخصوصاً در سه استان مورد مطالعه کشور، کارکردها و ارزش‌های حاکم درون خانواده با تحولات اساسی همراه بوده؛ از گذشته تا به امروز در مفهوم خانواده تحولی عظیمی رخ داده‌است تا جایی که گاهی حتی تفاوت‌هایی را میان اهالی خراسان امروز و دیروز موجب شده‌است. آمارها نشان داد که ولادت در هر سه استان کاهش یافته‌است. در گذشته فرزندآوری آرمانی ستودنی در تشکیل خانواده محسوب می‌شد؛ به طوری که گاهی مشکلات جسمی هر یک از زوجین در عدم فرزندآوری تهدیدی بر پایداری نهاد خانواده بود؛ اما امروزه فرزندآوری، از اولویت‌های خانواده، به طور جدی سقوط کرده‌است؛ به طوری که در عرض ۴۰ سال نرخ ولادت کشور از ۴۱ واقعه به ۱۹ واقعه و در خراسان رضوی از ۳۹/۶ به ۲۳/۱ کاهش یافته‌است و این رخداد جمعیتی را می‌توان تحولی کاملاً جدی در نظام خانواده دانست. تغییر فراوانی واقعه طلاق نیز شاهدی دیگر بر دگرگونی نگرش اعضای خانواده است؛ زیرا با توجه به پیشینه مذهبی و تابو بودن رویداد طلاق، افزایش این شاخص، با وجود همه ممانعت‌های موجود مسأله‌ای قابل تأمل در ساختار خانواده به‌شمار می‌آید. استان خراسان رضوی از نرخ طلاق ۰/۵ در سال ۱۳۵۵ به ۲/۶ در سال ۱۳۹۵ رشد کرد. براساس جدول ۶، به ازای ۱۰۰ ازدواج در استان خراسان رضوی ۱۲/۳ واقعه طلاق ثبت می‌شد؛ اما این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۲۷/۴ طلاق رشد یافته‌است. در استان خراسان شمالی و جنوبی نیز در مقایسه سال‌های ۱۳۸۵ با ۱۳۹۵، رشد نسبت طلاق به ازدواج قابل تأمل است. نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه با نتایج تحقیق ملکی و دیگران (۱۳۹۴)، ادھیکاری (Adhikari, 2010)، هیرشمن و مین (Hirsheman & Minh, 2002) به لحاظ کاهش ولادت، ازدواج و رشد طلاق مشابه بوده‌است. تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه نموده و به شکلی فزاینده با علل و عوامل پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته‌است. گیدنز یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی شدن در نهاد خانواده را دگرگونی

نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین‌شده اعضای خانواده می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۲). وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بینند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی، سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی طلاق می‌شود. طلاق می‌تواند نشانه‌ای از دگرگونی‌های اتفاق‌افتاده در جامعه امروز باشد؛ نشانه‌ای که می‌توان از آن به تفسیری مجدد از خانواده و کارکردهایش رسید. دیگر نمی‌توان از خانواده انتظار کارکردهای پیشین را داشت؛ بلکه باید به دنبال گمشده‌هایی بود که انسان امروز آن را در لوای خانواده طلب می‌کند و این امر، خود می‌تواند یکی از دلایلی باشد که در رشد طلاق به نمایش درمی‌آید. جامعه امروز، تعادل ساختاری خود را از دست داده‌است و بروز پدیده‌هایی چون طلاق عاطفی و طلاق ثبتی، نشانه‌هایی از چالش در این تعادل است. این مقاله سعی در شناخت تحولات مفهومی ذهنی به نام خانواده با استفاده از ابزارهایی عینی به نام ولادت، ازدواج، طلاق و گروه سنی مادران داشته‌است. کاهش باروری، ازدواج و رشد طلاق از ویژگی‌هایی است که در نظریه گذار جمعیتی دوم بدان اشاره شده‌است. نظریه کلاسیک گذار جمعیتی بر تحولات جمعیتی و تغییراتی که در جامعه انسانی رخ می‌دهد تمرکز دارد که دلیل مهم انتخاب موضوع مقاله حاضر نیز کشف این رابطه بوده‌است. تئوری گذار جمعیت شناختی را شاید بتوان برجسته‌ترین تئوری کلاسیک جمعیت‌شناسی تلقی کرد که توانسته‌است روند تغییرات جمعیتی را به‌طور نسبتاً جامع توصیف و تبیین نماید (مای، ۱۳۹۷: ۱۰). به این بخش از یافته‌ها در مطالعه سرایی (۱۳۸۵) و احمدی، قاسمی و کاظمی‌پور (۱۳۹۱) نیز پرداخته شده‌است. بررسی روند فرزندآوری براساس گروه سنی مادران نشان داد که میانگین گروه سنی مادران در حال افزایش است. بالاترین فرزندآوری مربوط به گروه سنی مادران ۲۵-۲۹ ساله و کمترین فرزندآوری به مادران بالای ۴۹ سال تعلق دارد. طی سال‌های مورد بررسی، تغییر رتبه در فراوانی مولید گروه سنی مادران کاملاً مشهود است؛ این تغییرات عبارتند از: رتبه اول فرزندآوری از مادران ۲۰-۲۴ ساله به ۲۵-۲۹ ساله و رتبه دوم ولادت در گروه سنی مادران از ۲۵-۲۹ سال به ۳۰-۳۴ سال افزایش یافته‌است.

به نظر می‌رسد تغییرات در اندیشه، عامل کاهش باروری است. در شرح این رویدادها می‌توان از تئوری گذار جمعیتی و رابطه آن با کاهش باروری و تأخیر در ازدواج و به دنبال آن افزایش سن باروری سخن گفت. کاهش فرزندآوری و بالارفتن سن فرزندآوری می‌تواند نتیجه ارزیابی عقلانی والدینی باشد که از منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتن فرزند، حاصل شده‌است.

شهرنشینی و صنعتی‌شدن باعث ایجاد سبکی از زندگی شده که گرایش به باروری را هزینه‌آور ساخته‌است و به تدریج ارزش‌های مربوط به فرزند زیاد را از بین برده‌است. این نتیجه در بررسی آمارهای سن مادران در زنان شهری و روستایی استان‌های خراسان بزرگ نیز خود را نشان داد. فرزندآوری در مادران زیر ۲۵ سال در روستاها بیشتر از شهرهاست و از سن ۲۵-۴۰ فرزندآوری در بین مادران شهری از مادران روستا پیشی گرفته‌است. این نتیجه را هائورن نیز در پژوهش خود می‌آورد. وی اظهار می‌دارد که این صحیح است که در تمامی جوامع آگاهی از کنترل موالید با شهرنشینی (محل تولد یا گذراندن دوران زندگی قبل از ازدواج در شهر) و تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بر متغیرهای تبیینی دیگر، نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان تأثیر قابل توجهی دارد (لوکاس و میر، ۱۳۸۳: ۱۱۷). با توجه به مبحث جهانی‌شدن و تفاوتی که به لحاظ ارتباطات اجتماعی، تحصیلات و فضایی برای داشتن شغل، به خصوص برای زنان شهری فراهم شده‌است، زنان شهری در قیاس با زنان روستایی دیرتر ازدواج می‌کنند و فرزندآوری نیز در سنین بالاتر انجام می‌گیرد. در پژوهش عباسی شوازی و عسکری ندوشن (۱۳۸۴) و هائورن نیز بر شهرنشینی و تأثیر تحصیلات زنان در امر ازدواج و فرزندآوری نیز تأکید شده‌است. بررسی مقایسه‌ای سهم ازدواج زنان و باروری بر اساس گروه سنی نشان داد که بیشترین فراوانی ازدواج طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۷ در سه استان خراسان بزرگ در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال بوده‌است؛ اما بیشترین تمایل به باروری در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال وجود دارد. با توجه به آمارها، زنان متأهل سه استان مذکور تا قبل از ۱۹ سالگی تمایلی به باروری ندارند؛ اما بیشترین فرزندآوری و تمایل به مادرشدن در این سه استان در گروه سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ سال وجود دارد. مقایسه نسبت سهم ازدواج و سهم باروری گویای تمایل باروری زنان متأهل بعد از چند سال وقفه پس از ازدواج به فرزندآوری

است. در نهایت بررسی آمارهای ثبتی نشان داد که تغییر فراوانی در آمارهای وقایع حیاتی انعکاس بیرونی، تغییر ساختار خانواده در استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی بوده است.

پیشنهاد محقق

در ۱۴ بند با توجه به سیاست‌های جمعیتی ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری، با تعمق به تمام ابعاد مسأله جمعیتی اشاره شده است و حتی وظایف همه دستگاه‌ها به‌عنوان دستگاه اصلی و دستگاه همکار مشخص شده است. به نظر می‌رسد اجرایی شدن و توجه دقیق به دستورالعمل مذکور می‌تواند اولین و مهم‌ترین قدم در حل مسائل جمعیتی استان‌ها باشد. جهت دستیابی به اهداف ۱۴ بند سیاست جمعیتی، می‌توان پیشنهادهای ذیل را نیز مدنظر قرار داد:

- به نظر می‌رسد تغییر نوع نگرش افراد نسبت به فرزند و فرزندآوری می‌تواند اقدام مهمی باشد و به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای این مورد و فرهنگ‌سازی به‌منظور تغییر آن، از جمله برنامه‌های ضروری است که باید مورد توجه مسئولان جامعه، بویژه متولیان فرهنگی و جمعیتی کشور قرار گیرد.

- ارائه مشوق‌های لازم برای والدین می‌تواند آن‌ها را به داشتن فرزند بیشتر ترغیب کند. شکیبایی و حمایت از ترویج ازدواج موفق و آسان، فرزندآوری و تربیت فرزندان صالح، ارزش-دانستن ازدواج و فرزندآوری از طریق تمهیدساز و کارهای قانونی، اعطای تسهیلات و امکانات و چتر فراگیر بیمه‌های درمانی تکمیلی، آموزش و مشاوره مستمر و مسئولانه نوجوانان و جوانان با اولویت خانواده‌ها، قبل، حین و دست کم پنج سال پس از ازدواج توسط همه دستگاه‌های ذی‌ربط نیز می‌تواند راهکار مؤثری باشد.

- حدود سه میلیون زوج نابارور در کشور وجود دارد که گفته می‌شود درمان حدود دو میلیون-وپانصد زوج با روش‌های موجود امکان‌پذیر است و در صورت درمان این تعداد قابل توجه، شاهد افزایش جمعیت مناسبی در کشور خواهیم بود.

- نوزادان زیر یک‌سال و کودکان زیر پنج‌سال از مهم‌ترین گروه‌های هدف هستند و باید مرگ این گروه‌ها را کاهش داد. در حال حاضر، میزان مرگ‌ومیر نوزاد حدود ۱۰ در ۱۰۰۰ تولد زنده است که باید این میزان را نیز کاهش داد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- احمدی، وکیل؛ قاسمی، وحید؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۹۱). "بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه‌شناسی خانواده". *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۰، ش ۱، پیاپی ۳۰ (بهار): ۸۱-۱۰۱.
- اسعدی، محمود (۱۳۸۷). "جامعه‌اطلاعاتی: نظریه‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها". تدبیر، سال نوزدهم، ش ۱۹۴ (تابستان): ۶۰-۶۵.
- برناردز، جان (۱۳۹۰). *درآمدی بر مطالعات خانواده*. ترجمه حسن قاضیان. تهران: نشر نی.
- بیکر، ترز (۱۳۷۷). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نائبی. تهران: روش.
- پرسا، رولان (۱۳۷۴). *آنالیز جمعیت‌شناسی*. ترجمه خسرو احمدی. تهران: سمت.
- ترنر، برایان اس. (۱۳۸۱). *شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی شدن*. ترجمه غلامرضا کیانی. تهران: فرهنگ گفتمان.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۶). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- سراپی، حسن (۱۳۸۵). "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران". *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش ۲ (زمستان): ۳۷-۶۰.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۴). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران". *مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۱۱، ش ۳ (بهار): ۳۵-۷۵.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۹). "هویت ملی در ایران: فراتحلیل مقاله‌های فارسی موجود". *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، ش ۵۰ (پاییز): ۱-۳۵.
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۶). "رویکرد اجتماعی و جمعیت‌شناختی به مسائل خانواده معاصر با تأکید بر سقط جنین در ایران". *مطالعات اجتماعی ایران*، سال یازدهم، ش ۳ (پاییز): ۵۵-۷۶.
- _____ (۱۳۹۲). "چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی". *مسائل اجتماعی ایران*، سال چهارم، ش ۲ (زمستان): ۱۰۵-۱۲۹.

- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). "تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن". پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)، دوره ۲، ش ۳ (پاییز): ۱۰۳-۱۲۴.
- کرایب، یان (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۷۹). جهان رها شده. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: علم و ادب.
- _____ (۱۳۹۵). جهان لغزنده است. ترجمه علی عطاران. تهران: پارسه.
- لیبیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. تهران: نشر علم.
- لوکاس، دیوید؛ میر، پاول (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. ترجمه حسین محمودیان. تهران: دانشگاه تهران.
- مارشال، گوردن (۱۳۸۸). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: میزان.
- ویلیامز، مارک (۱۳۷۹). "بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت". ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ششم، ش ۱۵۵-۱۵۶ (تابستان): ۱۳۲-۱۴۱.
- مای، جان. اف. (۱۳۹۷). سیاست‌های جمعیتی جهان. ترجمه یعقوب فروتن. تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- ملکی، امیر، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی فردی شدن خانواده در ایران با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۳۵". مطالعات راهبردی زنان، سال هجدهم، ش ۶۹ (پاییز): ۴۱-۹۶.
- میرزایی، محمد (۱۳۷۸). "نوسانات تحدید مولید در ایران". فصلنامه جمعیت، سال بیست و ششم، ش ۲۹-۳۰ (پاییز و زمستان): ۳۸-۵۸.
- نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۵). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه حسین دانائی فردوسی و حسین کاظمی. تهران: کتاب مه‌دیان.

- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). *جهانی شدن*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

- وبر، مارکس (۱۳۶۸). *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن پویان. تهران: چاپخش.

- Abbasi-Shavazi, M. J.; Mcdonald, P. (2007). "Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State", In: *International Family Change. Id: Eeational Perspectives*, R. Jayakody, A. Thornton, and W. Axinn (eds). NewYork: Taylor & Francis Group: 25-35.

- Adhikari, R. (2010). "Demographic, socio-economic and Cultural Factors Affecting Fertility Differentials In Nepal". *BMC pregnahcy & child birth*, Vol. 10, No. 19: 3-11.

- Hirshcman, C.; Minh, N. H. (2002). "Tradition and Change in Vietnamese Family Structure in the Red River Delta". *Journal of Marriage and Familiy*, Vol. 64, No. 4: 1063-1079.

- Lesthaeghe, R.; Neels, K. (2002). "From the first to the second demographic transition: An interpretation of the spatial continuity of demographic innovation in france, belgium and Switzerland". *European journal of population*, Vol. 18, No. 2: 325-360.

- Gernsheim, Elisabet-beck (2013). "Familiy structures, reproductive technologies and individualization in second modernity". [Online] Available: <https://www.theory culture society.org/interview-with elisabet-beck> [2020/1/15].

- Giddens, Anthony (1999). "Runaway world". [Online] Available: <http://www.bbc.couk/reith1999/lecture 4 shtml> [2020/4/11].

- Gillies, Val (2003). *Familiy and intimate relation ship*. London: South bank university.

- Kumar. A. (2012). "The impact of globalization on familiy structure: A sociological study (in reference to the 300 benegali families situating in udham singh nagar district of Uttarakhand)". *Journal of Experimental Science*, Vol. 3, No.1: 10-13.

- Scholte, J. A. (1993). "International Relations of Social Change". Ge, Buckingham, *open university press*, Vol. 70, No. 2: 13-26.

- Skirbekk, V. (2008). "Fertility Trends by Socioal Status". *Demographic Research*, Vol. 18, No. 5: 145-175.

-Sobtko, T.; Skirbekk, V.; Philipov, D. (2010). "Economic Recession and Fertility in the Develop World. Vinna Austria". *Population Council*, Vol. 37, No. 2: 267-306.

-Toren, N. (2003). "Tradition and Transition: Family Change in Israel". *Journal of Gender Issues*, Vol. 21, No. 2: 60-76.

-Zsolani, L. (1998). "Rational choice and the Diversity of choices". *Journal of socio-economics*, Vol. 27, No. 5: 613-623.



Changes in family structure from the perspective of registration statistics (Case study: Great Khorasan)

Mahbobeh Jafari Bae¹

Ali Rahmani Firoozjah²

Yaghoob Forootan³

Manochehr Pahlavan⁴

Abstract

Due to the importance of demographic changes in Iran in the last four decades, the central theme of this article is the problem of family structure change using a review of vital events of birth, marriage, and divorce in the archives of the Civil Registration Organization. Theories of demographic transition, rational choice, and globalization have been used to analyze changes in family structure. Documentary method and secondary analysis have examined the statistics of births, marriages, divorces, the average age of mothers, changes in mothers' age groups, comparison of women's marriages and fertility by age group, changes in the ratio of 100 marriages to divorces. The results of studies showed that: Statistics of essential events from 1355 to 1395 in the provinces of Greater Khorasan, in addition to the impact of implemented policies, indicate a change in family attitudes and practices and, consequently, reduced fertility, reduced desire to start a family and marriage and There has been considerable growth in divorce. The average age of mothers has increased in all three provinces. The highest number of births in the mentioned provinces is mothers aged 25-25 and the lowest number of children to mothers over 49 years old. The result of comparing births in 1397 with 1389 based on the age group of mothers showed that the first rank of childbearing from mothers aged 20-24 to 25 to 29 years and the second rank of births from mothers aged 25-25 years has changed to 30-30 years, which indicates an increase in maternal age. It has in the mentioned provinces. Women under the age of 15 to

1. Ph.D student in sociology, Islamic Azad University, Babol branch, mahbobejafari95@gmail.com

2. Associate professor, Sociology Department, Islamic Azad University, Babol branch, Corresponding Author, arf1348@gmail.com

3. Associate professor, Demography Department, Social Sciences, Mazandran University, y.foroutan@umz.ac.ir

4. Assistant professor, Sociology Department, Islamic Azad University, Babol branch, mpahlavan1967@gmail.com

24 living in rural areas are more likely to have children than urban women in the same age group. According to the second population transition theory, the higher the development in a society, the higher the fertility rate, the lower the marriage rate, and the higher the divorce rate. On the other hand, the intensification of borderless social relations in the form of extensive communication networks and parents' rational evaluation of the economic, social, and cultural benefits of having a child, has changed attitudes and values in the family and provided the basis for changing family structure.

Keywords: family structure, birth, marriage, divorce, age group of mothers, demographic transition





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی